

## آزادگی و عذرخواهی از امام

آزادگی، یکی از صفات ضروری مؤمنان است؛ چنانچه حضرت امیر(ع) می‌فرمایند:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»<sup>۱</sup>؛ «آیا آزاده‌ای هست که [دنیای] بی‌قدر و منزلت را به اهلش واگذارد؟ همانا جان شما را بهائی جز بهشت نیست؛ پس به کمتر از آن بفروشید».

حرّ، یکی از شخصیت‌های مثال‌زدنی واقعه کربلاست که چونان نامش، آزاده بود. جدای از شجاعت، آن‌چه در شخصیت او تبلور خاص دارد و می‌تواند الگویی برای همه مردم و مسئولان باشد، شهامت عذرخواهی است<sup>۲</sup> که آن‌هم از آزادگی او نشأت می‌گیرد. این‌که هر فرد یا گروه بتواند با صراحت و بدون غرور، از کرده خود عذرخواهی کند، مسأله مهمی است.

اولین مرحله در مسیر قرب به امام معصوم(ع)، عذرخواهی از کرده‌های اشتباه است. چنان‌چه قرآن از زبان برادران حضرت یوسف(ع) می‌فرماید:

«قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ»<sup>۳</sup>؛ «قسم به خدا که خدا تو را بر ما برتری بخشید و ما گناهکاریم».

ما نیز در انجام وظایفمان، بسیار کوتاهی کرده‌ایم و در کوتاهی ما همین بس که حضرت ولی عصر(عج) فرمود:

«لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهُمْ اللّٰهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَقَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ»<sup>۴</sup>؛ «اگر شیعیان ما- که خداوند به آن‌ها توفیق اطاعتش را بدهد- بر عهد و پیمانی که داشتند مستحکم می‌ماندند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد. آن‌چه ما را از آنان دور می‌دارد، بدی‌های آنان است که ما ناخوشایند می‌داریم و نمی‌پسندیم».

ما در مقابل حضرت کوتاهی کرده‌ایم و او را فراموش کرده‌ایم. پس جا دارد که از او عذر بخواهیم و حرّگونه، در راه حمایت و دفاع از او برخیزیم:

1. نهج البلاغه، ص 556.

2. حرّ زمانی که به امام حسین(ع) پیوست، گفت:

«اللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أُنِيبُ فُتُبْ عَلَيَّ فَقَدْ أُرْعَبْتُ قُلُوبَ أَوْلِيَائِكَ وَأَوْلَادَ نَبِيِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ هَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ قَالَ نَعَمْ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْكَ»؛ «خدایا به سوی تو بر می‌گردم. توبه‌ام را بپذیر که من قلوب اولیاء و فرزندان پیامبرت را لرزاند. ای فرزند پیامبر! آیا من هم می‌توانم توبه کنم [و توبه من پذیرفتنی است؟]».

بحار الانوار، ج 44، ص 319.

3. سوره یوسف، آیه 91.

4. بحار الانوار، ج 53، ص 176.

«اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى تَادِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ عَنِ مَعْصِيَتِهِ...»<sup>5</sup>؛ «خدایا ما را یاری نما تا حقوقش را ادا کنیم و در پیروی و اطاعت او بکوشیم و از نافرمانی‌اش حذر نماییم».

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُحَامِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ...»<sup>6</sup>؛ «خدایا مرا از انصار و کمک‌کاران و مدافعین و حامیان او و در جملۀ کسانی که در انجام حوائج او شتابان هستند و در راه او به شهادت می‌رسند، قرار ده».

---

5. بحار الأنوار، ج 99، ص 108.

6. بحار الأنوار، ج 99، ص 111؛ فرازی از دعای عهد.